

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

بیان امام قدس سره در ابطال نظریه تفویض

امام قدس سره بعد از بیان محل نزاع به ابطال قول جبری ها و تفویضی ها می پردازند.

مرحوم امام قدس سره برای ابطال مذهب مفوضه سه دلیل اقامه کردند که فقط يك دليلش را که هم ساده تر و هم دلیل محکمی است و هم در ذهن باقی می ماند در این جا ذکر می کنیم:

مفوضه قائل به استقلال در تأثیر هستند، یعنی می گویند: خدا عالم را که خلق کرد، تأثیری غیر از خلق عالم ندارد و تمام تأثیرها و علّیّتها و فاعلیّتها برای خود این موجودات عالم است. تفویض، یعنی: واگذاری، و خداوند بعد از خلقت عالم تمام امور را به خود موجودات تفویض نمود. پس مفوضه مسئله استقلال در تأثیر را قائلند.

در این دلیل، امام (قده) می فرمایند: ما استقلال در تأثیر را تحلیل کنیم که یعنی چه؟

استقلال در تأثیر، یعنی: فاعل مستقل تمام خصوصیات و شرایطی که برای تأثیر در يك فعل لازم است، دارا باشد، یعنی: فاعل مستقل آن است که باب اعدام را به طور کلی سدّ کند، یعنی: عدم و نبود هر شرطی، از تحقق فعل جلوگیری می کند و فاعل مستقل آن است که عدم این شرط را مسدود کند، یعنی: کاری بکند که آن شرط محقق شود و عدمش منتفی شود.

بعد فرموده اند: هر فاعلی در این عالم، اگر بخواهد يك فعلی را انجام دهد، یکی از عدمهایی را که باید مسدود کند عدم خودش است، یعنی: اگر فاعل نباشد، فعل نیست؛ و این بدیهی و روشن است که هر فاعلی اگر بخواهد این فعل را ایجاد کند يك شرط آن این است که عدمیّت خود فاعل را مسدود کند.

حالا کدام فاعل است که بتواند عدم خودش را مسدود کند؟ تمام ما سوی الله عنوان ممکنات را دارند، و ممکن یعنی: آن چه که وجود و عدم برای او مساوی است.

حالا اگر ممکنی عدم خودش را مسدود کرد معنایش این است که این ممکن از امکان به وجود واجب و ضروری انقلاب یابد و این محال است و انقلاب ممکن به واجب محال است.

با این دلیل مذهب مفوضه ابطال می شود.

برای توضیح مذهب جبری‌ها، بیان ادله آنها، بحث کافی پیرامون آن جایش در فلسفه است. این جا هم یکی از آن ادله‌ای را که امام قدس سره برای ابطال جبری‌ها فرموده‌اند بیان می‌کنیم:

جبری‌ها قائلند به این که همان طوری که خدا عالم را خلق کرد تمام معلولات، مسببات و آثار و خواص را هم خدا خلق کرده است.

خداوند انسان را که خلق کرد هر فعلی را که این انسان انجام می‌دهد نیز مستقیماً و مباشرتاً خلق کرده است و خود انسان در این فعل هیچ دخالتی ندارد.

دلیل مهم برای ابطال نظریه آنها این است که:

در فلسفه ثابت شده است که حقیقت وجود، منشأ آثار است. فرقی که بین وجود و ماهیت و بین وجود و عدم بیان می‌کنند این است که عدم هیچ اثری ندارد ولی حقیقت وجود، منشأ آثار است.

به عبارت دیگر: اگر آثار را از وجود سلب کنیم معنایش این است که وجود را سلب کردیم، و علت این امر برمی‌گردد به يك بحث عرفانی و فلسفی که اثبات می‌کنند که حقیقت وجود، منشأ اثر بودن است و به این طریق صرف الوجود بودن را برای خدا ثابت می‌کنند و می‌گویند: آثاری که هست از سنخ وجود است. وقتی که خود آثار از سنخ وجود بود باید يك وجودی کاملتر منشأ برای این آثار باشد و لذا هر وجودی منشأ اثر است و هر اثر کمالی و جمالی به وجود برمی‌گردد. انسان چون موجود است عالم است و انسان چون موجود است انسان است.

از وجود خدا که تنزل کنیم و به سایر مراتب وجودی برسیم، هر وجودی به اندازه حقیقت وجودی خودش اثری دارد؛ و اگر بگوییم وجود، اثر ندارد معنایش این است که وجود را از وجود انداخته‌ایم و آن را در وادی عدم برده‌ایم.

امام قدس سره می‌گوید: حقیقت و واقعیت وجود - نه مفهوم وجود - منشأ اثر است و امکان سلب آثار از وجود نیست؛ زیرا اگر وجودی اثر نداشت، یعنی: اصلاً وجود ندارد. حداقل و نازلترین اثر وجود همین است که مکانی را اشغال کرده است. سلب اثر از وجودی مستلزم این است که اثر از تمام وجودات حتی وجود واجب نیز سلب شود؛ زیرا وجوداتی که بین وجود واجب و وجود ممکنات هستند وجوداتی مختلف الحقیقه نیستند و اختلاف آنها در مرتبه و از نوع اختلاف تشکیکی است، و لذا اگر اثری از يك مرتبه سلب شد آن اثر از تمام مراتب و حتی مرتبه واجب الوجود هم سلب می‌شود. بنابراین سلب اثر از يك مرتبه وجود، مستلزم سلب همین اثر از عالی‌ترین مرتبه وجود است.

با این بیان، نظریه جبری‌ها که می‌گویند: «انسان موجود است ولی اثری ندارد» باطل می‌شود؛ زیرا اگر انسان موجود است نمی‌توانیم اثر را از او سلب کنیم، زیرا وجود مساوق با آثار است.

خلاصه بحث در رد تفویض و جبر

تفویض باطل شد؛ زیرا ما در عالم، فاعل مستقلی غیر از خدا نداریم. جبر هم محال است؛ زیرا اگر انسان موجود است بما آنّه موجود، منشأ آثار هم است.

بعد از ابطال این دو نظریه، حالا مطلب و مذهب حق کدام است؟

امام قدس سره فرموده است: مذهب حق عبارت است از: لا جبر و لا تفویض بل أمر بین الامرین. این نظریه از مختصات مذهب امامیه و از برکات ائمه معصومین علیهم السلام است.

تعبیر امام قدس سره این است: کون الموجودات الامکانية مؤثرات لكن لا بالاستقلال، وفيها الفاعلية والعلية والتأثير لكن من غير استقلال، وليس في دار التحقق فاعلٌ مستقلٌ سوى الله تعالى، وسائر الموجودات كما أنَّها موجودات لا بالاستقلال، بل روابط محضة ووجودها عين الفقر والتعلق.

مثلاً اگر سخن گفتن دو شرط دارد، يك شرط آن را متکلم ایجاد می کند چون که موجود باید اثر داشته باشد و يك شرط آن هم به دست خداست؛ به این معنا که این فعل از آن نظر که مربوط به گوینده است اگر نخواهد ایجاد نمی شود، و نیز همین فعل از آن جهت که با اختیار گوینده است که از جانب خدا قرار داده شده است و لذا اگر خدا نخواهد، ایجاد نمی شود.

و سپس امام قدس سره می فرماید: همان طور که ذات ممکنات عین ربط و فقر و تعلق به خداست آثار و افعال آنها هم عین ربط به خداست.

أمر بین الامرین در خود قرآن هم آمده است، در آنجا که می فرماید: {وما رميت إذ رميت ولكن الله رمى} که هم رمی را به پیامبر نسبت می دهد و هم از پیامبر نفی می کند. نسبت می دهد، زیرا پیامبر اراده کرد که تیر بیاندازد؛ و نفی می کند، زیرا عنایت خدا بالای سر پیامبر بود.

و آیه دوم: «وما تشاؤون إلا أن يشاء الله» که اراده را به انسان نسبت می دهد و در عین حال به خدا هم نسبت می دهد؛ زیرا اصل وجود انسان از خداست.

روشن شد که نظریه حق هم مطابق با براهین فلسفی است و هم مطابق با آیات قرآنی و هم روایات ائمه معصومین (ع) است.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ